

حقيقت عاشورا

(حقيقة عاشوراء باللغة الفارسية)

مؤلف

محمد عوده رحيلي

مترجم

قريب الله مطيع

محمد عودة الرحيلي، ١٤٢٥ هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

الرحيلي، محمد عودة

حقيقت عاشوراء باللغة الفارسية. / محمد عودة الرحيلي؛ قريب الله مطبع. - المدينة المنورة، ١٤٢٥ هـ

٢١×١٤.٨ سم

ردمك: ٧-٨٠٣-٤٤-٩٩٦٠

١- عاشوراء ٢- الصوم أ. مطيع، قريب (مترجم) ب- العنوان

١٤٢٥ / ١٩٢٨

ديوي ٢٥٢.٣٧

شناسنامه كتاب

نام كتاب:	حقيقت عاشورا
تأليف:	محمد عوده رحيلي
ترجمه:	قريب الله مطيع
سال چاپ:	١٣٩٢ هـ. ش / ١٤٣٥ هـ. ق
نوبت چاپ:	دوم

www.aqeedeh.com

www.islamhouse.com

www.sadaislam.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com

سایت های مفید:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

فهرست

- ۳ مقدمه‌ی مترجم
- ۷ روزه‌های نفلی «مستحب» در طول سال
- ۹ عاشورا در لغت
- ۱۰ سبب نامگذاری عاشورا به این اسم
- ۱۲ امر به روزه گرفتن عاشورا
- ۱۳ منسوخ شدن روزه‌ی عاشورا
- ۱۴ تعیین روز عاشورا
- ۱۵ حکم روزه گرفتن عاشورا
- ۱۶ حکمت در روزه‌ی عاشورا
- ۱۹ انواع روزه‌ی عاشورا
- ۱۹ نوع اول روزه گرفتن نهم و دهم و یازدهم محرم
- ۲۰ نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم
- ۲۱ نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم و یا دهم با یازدهم ماه محرم
- ۲۲ نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم به تنهایی
- ۲۳ فضیلت روز عاشورا
- ۲۵ روزه‌ی پیامبران علیهم السلام در عاشورا
- ۲۶ روزه‌ی نوح علیه السلام در روز عاشورا

- ۲۸.....روزه‌ی موسی علیه السلام در عاشورا
- ۳۱.....روزه گرفتن پیامبر گرامی مان صلی الله علیه و آله در عاشورا
- ۳۳.....روزه گرفتن صحابه و تابعین در روز عاشورا
- ۳۵.....روزه گرفتن قریش و اهل جاهلیت در روز عاشورا
- ۳۶.....آیا روز زینت، روز عاشورا بود؟
- ۳۸.....عاشورا در عهد اموی‌ها و عباسی‌ها
- ۳۹.....عاشورا در عهد فاطمی‌ها
- ۴۰.....عاشورا در عهد ایوبی‌ها
- ۴۰.....عاشورا در عهد آل بویه
- ۴۲.....بدعت‌هایی که در عاشورا صورت می‌گیرد و باید از آن دوری جست
- ۴۶.....ماتم در روز عاشورا
- ۴۹.....روایاتی از کتب شیعه
- ۵۵.....مراجع

مقدمه‌ی مترجم

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده و على آله وأصحابه الذين صدقوا وعده وبعد:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾﴾. [البقرة: ۲۰۸-۲۰۹]

ترجمه: «ای مومنان! همگی اسلام را به تمام و کمال بپذیرید و به صلح و آشتی در آیید، و از گامهای شیطان پیروی نکنید و به دنبال او راه نروید بی گمان او دشمن آشکار شما است و اگر بعد از آمدن دلایل واضح منحرف و دچار لغزش شدید و به دام شیطان افتادید بدانید که بی گمان خداوند توانا و حکیم است».

آیات فوق مؤمنان را به پیروی اوامر خداوند و فرمانبرداری احکام و قوانین شریعت محمدی امر می‌نماید چنانکه از پیروی گامهای شیطان و آنچه را پسندیده و زیبا جلوه میدهد منع نموده است.

اسلام دینی متکامل است که هیچگونه زیادت و کمی را پذیرا نیست زیرا خداوند دینش را به وسیله‌ی حضرت محمد ﷺ به اتمام رسانید، همه احکام و قوانین را به طور مکمل و مفصل به مردم بیان کرد، برای هیچ کسی جای نوآوری و تجدید در دین باقی نمانده است، و آنکه در اسلام چیزی را بوجود آورد که از آن نباشد و یا اصلی از اصولش بدان

گواهی ندهد پس آن مردود بوده بدان توجه نمی شود. شیطان همیشه کوشیده است تا مسلمانان را از راه اصلی شان به کجراهه و گمراهی بکشاند، و مانند خود تعدادی را هلاک نماید، پس افسوس به کسانی که از راه خدا دور گشتند و از جاده‌ی حق منحرف شدند و به بیراهه رفتند.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳] ترجمه: «آنان که بافرمان او مخالفت میکنند باید از این بترسند که بلائی گریبانگیر شان گردد. یا اینکه به عذاب در دناکی دچار شوند».

امروز مصائب گوناگونی که اعم از قحطی، ویرانی، کشتار، زلزله، ذلت و غیره گریبانگیر مسلمانان است سبب اساسی آن، دوری آنها از اوامر خداوند و رسولش است، هیچ روزی نیست که واقعه‌ی تلخی بر مسلمانان رخ ندهد، ولی بخود نمی‌آیند و متوجه نمی‌شوند! متأسفانه شیطان توانسته است، سنت را بدعت، و بدعت را سنت به مردم جلوه دهد و تعدادی را بدنبال خود بکشاند.

عاشورا! روزی که با روزه گرفتن گناهان یکسال قبل محو می‌گردد ولی شیطان با حيله و نیرنگش توانست این‌روز را از خط سیر اصلی‌اش منحرف سازد. علاوه بر آن، آنها را مرتکب اعمال ناشایسته و بدعت در دین کند.

این رساله‌ی کوچک بیانگر این حقیقت است، خواننده گرامی از لابلای آن در می‌یابد که عمل پیامبرمان ﷺ و یارانش چه بود و شیطان با چه نیرنگی بعضی‌ها را به کجا برده است؟!

خواننده‌ی گرانقدر! کتابی که اکنون به شما تقدیم می‌داریم حقیقت روز عاشورا را بیان می‌کند، مؤلف این کتاب برادر فاضل ما محمد عوده رحیلی است که خداوند به وی توفیق داد تا معلومات مفصلی در مورد روز عاشورا و آنچه به این روز ارتباط دارد (صوم عاشورا و ما یرتبط بهذا اليوم) جمع آوری کند. از خداوند پاداش بزرگ برایش استدعا می‌کنیم.

بنده این کتاب را بطور مختصر به زبان فارسی ترجمه کردم تا آن عده از مسلمانان که از حقیقت روز عاشورا بی‌خبرند آگاه شوند همچنین راهی از راه‌های شیطان که بعضی از برادران و خواهران ما را به بیراهه برده است مسدود گردد. در اخیر از خداوند مسئلت دارم که این عمل را خالصانه برای رضای خویش بپذیرد و به ما اخلاص در عمل ارزانی فرماید و توفیقمان دهد که بندگان شایسته‌ی او باشیم و ما را از رفتن بدنبال شیطان و ظالمان و فاسقان بدور دارد. **إِنَّهُ سَمِيعٌ مَّجِيبٌ.**

قریب الله مطیع

مدینه منوره

۱۸ شوال ۱۴۲۴ هـ ق

روزه‌های نفلی «مستحب» در طول سال

علاوه بر ماه مبارک رمضان، گرفتن روزهی نفلی که مسلمان را به خداوند نزدیک می‌کند، از پیامبر بزرگوارمان حضرت محمد ﷺ ثابت است و امتش را نیز به آن ترغیب و تشویق نموده است چنان که آنحضرت ﷺ فرموده است: «کسیکه یک روز، در راه خدا (بخاطر رضای خدا) روزه بگیرد، خداوند رویش را از آتش دوزخ به اندازه‌ی هفتاد سال دور نگه می‌دارد»^۱.

و در حدیث قدسی از آن حضرت ﷺ روایت است که خداوند می‌فرماید:

«هر عمل فرزند آدم برای خود اوست غیر از روزه که آن برای من است و من پاداش آن را می‌دهم»^۲. به همین منظور پیامبر گرامی اسلام ﷺ به روزه گرفتن بعضی از روزهای سال ترغیب نموده‌اند تا سبب کامیابی و پیروزی بنده‌ی مسلمان در آخرت گردد، این روزه‌ها از قرار ذیل می‌باشد:

۱- روزه‌ی داود (علیه السلام) افضل‌ترین روزهی نفلی است، پیامبر ﷺ به عبدالله ابن عمرو چنین توصیه می‌نماید: «یک روز، روزه بگیر و یک روز، نگیر، این روزه‌ی داود (علیه السلام) بوده است که افضل‌ترین روزه‌هاست»^۳.

۱- بخاری ۳۱۶/۲.

۲- مسلم ۸۰۷/۲.

۳- بخاری ۵۲/۲.

۲- روزه‌ی شش روز ماه شوال: از ابو ایوب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که رمضان را روزه گرفته و به دنبال آن شش روز از شوال را نیز روزه بگیرد. مانند آن است که همیشه روزه‌دار باشد»^۱.

۳- روزه گرفتن سه روز از هر ماه: از ابوذر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای اباذر! هر گاه خواستی سه روز از هر ماه روزه بگیری، پس سیزدهم، چهاردهم، و پانزدهم را روزه بگیر»^۲.

۴- روزه‌ی دوشنبه و پنجشنبه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه به خداوند عرضه می‌شود و من دوست دارم که عملم در حالیکه روزه‌دار هستم به خداوند عرضه شود»^۳.

۵- روزه‌ی روز عرفه: روز عرفه روز نهم ماه ذی الحجه است که حجاج در عرفات به حضور خداوند می‌ایستند، که روز بسیار بزرگ و عظیمی است، گرفتن روزه درین روز خجسته، گناهان دو سال را پاک می‌نماید، پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید: «امیدوارم که خداوند (بخاطر روزه‌ی، روز عرفه) گناهان سال قبل و بعدش را ببخشد»^۴.

۶- روزه‌ی ماه محرم: حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین روزه بعد از ماه رمضان، ماه محرم

۱- مسلم ۸۲۲/۲.

۲- ترمذی ۱۲۵/۳.

۳- ترمذی ۱۱۳/۳.

۴- مسلم ۸۱۹/۲.

- است، و بهترین نماز بعد از نمازهای پنجگانه نماز شب است»^۱.
 زیرا ماه محرم نخستین ماه سال است بنابراین اگر با عمل نیک مانند
 روزه آغاز گردد، سال بهتر و پر از برکت خواهد بود.
- ۷- روزهی ماه شعبان: ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می فرماید: «من ندیدم
 که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هیچ ماهی بیشتر از ماه شعبان روزه بگیرد
 زیرا که تمام ماه را روزه می گرفت»^۲.
- ۸- روزهی روز عاشورا که موضوع بحث ما خواهد بود، عاشورا روز
 دهم ماه محرم است که خداوند گناهان یکسال گذشته را برای روزه
 دار در این روز می بخشد، از ابی قتاده رضی الله عنه روایت است که آن
 حضرت صلی الله علیه و آله فرموده است: «امیدوارم که خداوند روزهی عاشورا را
 سبب کفارهی گناهان سال گذشته قرار دهد»^۳.

عاشورا در لغت

روز دهم ماه محرم را عاشورا گویند، زیرا عدد ده را در عربی عشر
 می گویند و این کلمه به چند لفظ مختلف در کتابهای لغت عربی ذکر شده
 است مانند عاشوراء - عشوراء - عاشورا - عشورا - عاشور بر وزن
 هارون^۴ در بعضی از کتابهای قاموس عربی، عاشورا روز نهم محرم را نیز

۱- مسلم ۸۲۱/۲.

۲- بخاری ۵۰/۲.

۳- مسلم ۸۱۹/۲.

۴- المصباح المنیر ص ۱۵۶، دایرة المعارف بستانی ۴۴/۱۱.

گفته‌اند^۱ و علمای لغت در اصل کلمه‌ی عاشورا اختلاف دارند، بعضی می‌گویند عاشورا کلمه‌ی عربی است و بعضی دیگر عاشورا را کلمه‌ی عبرانی خوانده‌اند^۲.

سبب نامگذاری عاشورا به این اسم

در مورد نامگذاری این روز به نام عاشورا اقوال و روایات متعددی ذکر شده است بعضی می‌گویند که سبب نامگذاری عاشورا به این نام همانا دهم ماه محرم است و این قول واضح تر و نزدیکتر به دهم ماه محرم است، و گفته شده است که عاشورا روزی است که خداوند تعالی ده پیامبرش را با ده کرامت افتخار بخشیده است که از قرار ذیل است.

اول: در این روز، خداوند موسی علیه السلام را نصرت بخشید، در دریا راه را برایش باز نمود تا از چنگ فرعون نجات یافت و فرعون با لشکرش غرق گردید.

دوم: در این روز کشتی نوح علیه السلام با سلامتی در جودی استقرار یافت.

سوم: در این روز یونس علیه السلام از شکم نهنگ نجات یافت.

چهارم: در این روز خداوند توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت.

پنجم: در این روز یوسف علیه السلام از قعر چاه تاریک بیرون آورده شد.

ششم: در این روز عیسی علیه السلام به دنیا آمد و در همین روز به آسمان برده شد.

هفتم: در این روز خداوند داود علیه السلام را مورد عفو و بخشش خود قرار داد.

هشتم: در این روز ابراهیم علیه السلام چشم به جهان گشود.

۱- لسان العرب ۵/۴، ۵۶۹، و القاموس المحيط ص ۵۶۵.

۲- دائرة المعارف بستانی ۴۴۵/۱۱ و الآثار الباقية از البيروني ص ۳۳۰.

نهم: در این روز چشمان یعقوب علیه السلام دو باره روشن گردید و بینا شد.
 دهم: در این روز گناهان گذشته و آینده‌ی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله بخشیده شد.^۱

در کتاب‌های تاریخ خصائص زیادی در مورد روز عاشورا ذکر شده است که ارتباطی به نامگذاری آن ندارد، و در مورد پیامبران باید گفت که خصائص و کرامات آنان بالاتر از این عدد است، و بعضی گفته‌اند که عاشورا بخاطر این، به این اسم نامگذاری شده است که خداوند امت محمد صلی الله علیه و آله را به ده کرامات مشرف ساخته است که بطور مختصر آنرا بیان می‌داریم:

- ۱- ماه رجب که بر دیگر ماه‌ها فضیلت دارد.
- ۲- ماه شعبان که بر دیگر ماه‌ها فضیلت دارد.
- ۳- ماه مبارک رمضان که فضیلت آن بر همه آشکار است.
- ۴- شب قدر که بهتر از هزار ماه است.
- ۵- روز عید که روز پاداش دادن خداوند به بندگان است.
- ۶- روزهای ده گانه‌ی (ذی الحجه) که روزهای ذکر خداوند است.
- ۷- روز عرفه که روزه گرفتن در این روز کفاره‌ی گناهان دو سال است.
- ۸- روز عید اضحی یا روز قربانی که سبب نزدیکی به خداوند است.
- ۹- روزهای جمعه که بهترین روزهای هفته است.
- ۱۰- روز عاشورا که روزه گرفتن درین روز کفاره‌ی گناهان یک سال قبل است.^۲

۱- عمدة القاري ۱۱/۱۱۷.

۲- اللباب في الجمع بين السنة والكتاب ۴۳۱/۱.

امر به روزه گرفتن عاشورا

هنگامیکه پیامبر گرامی مان حضرت محمد ﷺ در ماه ربیع الاول سال اول هجری به مدینه‌ی منوره هجرت کردند، و ماه محرم سال دوم هجری را در مدینه سپری نمودند، دیدند که یهود در روز عاشورا روزه می‌گیرند، زیرا پیامبرشان موسی ﷺ این روز را روزه می‌گرفت. آن حضرت ﷺ یارانش را به روزه گرفتن این روز امر نمود. صبح روز دهم محرم بود که آن حضرت ﷺ دستور دادند تا همگی این روز را روزه بگیرند در حالیکه بعضی از مردم مانند روزهای دیگر شروع به خوردن و نوشیدن کرده بودند، آن حضرت ﷺ به قریه‌ها و دهکده‌های اطراف مدینه نیز اشخاصی فرستاد تا به مردم اطلاع دهند که روزه بگیرند و کسانی که در این روز شروع به خوردن و نوشیدن نموده بودند نیز از خوردن و نوشیدن امتناع ورزند و بقیه‌ی روز را روزه بگیرند، در این مورد احادیث زیادی روایت شده است که ما بطور نمونه به ذکر چندی اکتفا می‌کنیم:

۱- از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ به مردی از قبیله‌ی اسلم امر نمود تا به مردم اعلان نماید، کسی که تا حالا نخورده است روزه بگیرد زیرا امروز روز عاشورا است.^۱

۲- از مجزأة بن زاهر از پدرش روایت است که پیامبر ﷺ به روزه گرفتن عاشورا امر نمود و فرمود: «کسی که روزه دار است پس

روزه‌اش را تکمیل نماید و کسی که روزه دار نیست باقی روز را روزه بگیرد»^۱.

۳- از بعجه بن عبدالله روایت است که وی از پدرش شنیده است که آن حضرت علیه السلام روزی به آنها فرمود: «امروز روز عاشورا است پس روزه بگیرید». شخصی از بنی عمرو بن عوف گفت: ای رسول خدا، من از نزد قومم آمدم در حالیکه بعضی از آنها روزه داشتند و بعضی دیگر نداشتند! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برو به قومت بگو: کسانی که روزه ندارند، روزه بگیرند و آنرا تکمیل نمایند»^۲.

منسوخ شدن روزهی عاشورا

در ماه شعبان سال دوم هجری، خداوند روزهی ماه مبارک رمضان را بر مسلمانان فرض گردانید، پیامبر صلی الله علیه و آله یارانش را از روزهی عاشورا منع نکرد و نه دوباره چنانکه در سال اول هجری امر نموده بود امر فرمود ولی به گرفتن روزهی عاشورا تشویق و ترغیب می‌نمود زیرا پاداش و ثواب زیادی در آن نهفته است، پس اگر کسی روز عاشورا روزه بگیرد اجر و پاداش می‌گیرد و کسی که روزه نگیرد، ایرادی بر او نیست^۳ از پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله روایاتی نقل است که دلالت واضح به منسوخ بودن روزهی عاشورا می‌نماید بنابراین گرفتن آن اختیاری است.

۱- از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: آن حضرت صلی الله علیه و آله امر به روزهی عاشورا نمود ولی هنگامی که روزهی رمضان بر او فرض

۱- طبرانی ۳۵۱/۱ المعجم الأوسط.

۲- مسند امام احمد ۶/۴۶۷.

۳- فقه السنة ۱/۴۳۳.

گردید فرمود: «هرکسی می‌خواهد، روز عاشورا روزه گیرد و هر کسی که نمی‌خواهد نگیرد»^۱.

۲- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: روز عاشورا را در زمان جاهلیت روزه می‌گرفتیم، هنگامی که روزه‌ی ماه رمضان بر ما فرض گردید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «این روزی از روزهای خداوند است هر کس می‌خواهد روزه بگیرد و هر کس نمی‌خواهد آنرا ترک کند»^۲.

تعیین روز عاشورا

در مورد تعیین روز عاشورا سه دیدگاه وجود دارد: عده‌ای گفته‌اند که روز عاشورا نهم محرم است، ولی اکثر علما بر این رأی هستند که روز دهم محرم روز عاشورا است که این دیدگاه راجح و مستدل است و رأی دیگر، روز یازدهم ماه محرم را روز عاشورا می‌داند.^۳

دلایل زیادی وجود دارد که روز دهم محرم روز عاشورا می‌باشد از جمله:

۱- از عایشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به روزه گرفتن روزه‌ی عاشورا در دهم محرم امر فرمود^۴.

۲- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در روز دهم محرم امر به روزه گرفتن عاشورا نمودند^۱.

۱- بخاری ۵۸/۲.

۲- ابی داود ۸۱۸/۲.

۳- عمدة القاری ۱۱۷/۱۱.

۴- مجمع الزوائد ۱۸۹/۳.

۳- از سعید بن مسیب و حسن بصری و عکرمه روایت است که فرموده‌اند: روز عاشورا دهم محرم است».^۲

خلاصه‌ی این مطلب: آنچه که میان علمای سلف و خلف مشهور و معروف است این است که عاشورا روز دهم ماه محرم می‌باشد».^۳

حکم روزه گرفتن عاشورا

علماء اتفاق دارند که روزه‌ی روز عاشورا سنت است.

در مورد این که آیا در ابتدای اسلام قبل از فرضیت رمضان روزه‌ی عاشورا واجب بود یا مستحب؟

دو قول مشهور از علماء وجود دارد که صحیح ترین این دو قول این است که روزه‌ی عاشورا در ابتدای اسلام واجب بود و سپس حکم آن مستحب گردید، زیرا پیامبر ﷺ بعد از فرضیت رمضان کسی را به گرفتن روزه‌ی عاشورا امر ننمود.^۴

۱- از عایشه رضی الله عنها روایت است که آن حضرت رضی الله عنها به روزه گرفتن روزه‌ی عاشورا امر فرمودند. ولی هنگامی که روزه‌ی رمضان فرض گردید، بعضی در روز عاشورا روزه گرفتند و بعضی نگرفتند».^۵

۲- از سلمة بن اکوع رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی از قبیله اسلم دستور دادند تا به مردم قریه اش بگوید: کسی که غذا تناول

۱- ترمذی ۱۱۹/۳.

۲- مصنف ابن ابی شیبہ ۵۹/۳.

۳- شرح مسلم از نووی ۱۲/۸.

۴- مجموع فتاوی از ابن تیمیہ ۳۱۱/۲۵.

۵- بخاری ۲/۲۸.

نموده است باقی روز را روزه بگیرد و کسیکه چیزی نخورده است پس روزه‌ی خود را تکمیل نماید زیرا امروز روز عاشورا است»^۱.

ملاعلی قاری رحمه الله علیه می‌گوید: این حدیث دلالت صریح بر واجب بودن روزه‌ی عاشورا قبل از فرضیت رمضان می‌نماید که بعداً منسوخ گردید و حکم سنت را بخود گرفت.

۳- در روایت ابو داود چنین ذکر است که نمایندگانی از اسلم نزد آن حضرت ﷺ آمدند پیامبر ﷺ از آنها پرسید:

«آیا این روز را روزه گرفتید؟» گفتند: نه، پیامبر ﷺ فرمود: «بقیه‌ی روزتان را روزه بگیرید و قضایش را بجا آرید».

عینی رحمه الله علیه می‌گوید: این حدیث دلالت صریح بر فرضیت روزه‌ی عاشورا می‌نماید زیرا بجا آوردن قضا جز در واجبات در چیز دیگری نمی‌باشد.^۲

ابن قیم رحمه الله علیه می‌گوید: پیامبر ﷺ روز عاشورا را روزه می‌گرفت، و زمانیکه روزه‌ی رمضان فرض گردید آنرا ترک کرد. پس روزه‌ی عاشورا قبل از رمضان فرض بود سپس واجب بودنش منسوخ شد نه اینکه بگوئیم مستحب بودنش منسوخ شد.^۳

حکمت در روزه‌ی عاشورا

عبدالله بن عباس رضی الله عنه حکمت روزه‌ی روز عاشورا را چنین بیان می‌کند: زمانیکه پیامبر ﷺ به مدینه منوره هجرت نمود، یهود را دید که روز

۱- بخاری ۵۹/۲.

۲- عمدة القاری ۱۱۹/۱۱.

۳- زاد المعاد ۷۱/۲.

عاشورا روزه می‌گیرند حضرت (علیه السلام) از آنها پرسید: «این چه روزی است؟» گفتند: این روز نیکی است، روزیکه خداوند بنی اسرائیل را از چنگ دشمن نجات بخشید، لذا موسی علیه السلام این روز را روزه گرفت. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود:

«من از شما به موسی نزدیکترم». همین بود که این روز را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن این روز خجسته امر فرمود.^۱

پیامبر گرامی مان صلی الله علیه و آله خویش را نزدیکتر و شایسته‌تر از دیگران به موسی علیه السلام و پیروی از وی می‌دانست. زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و امتش با موسی علیه السلام در اصول دین متفق اند و کتابش تورات را تصدیق می‌نمایند، ولی شما یهودیان از پیروی موسی علیه السلام دست کشیدید و سرباز زدید و در کتابش تحریف و تغییر ایجاد نمودید، همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در رسالت با موسی علیه السلام مشترک است و برادری دینی و نزدیکی آشکار میان ایشان وجود دارد زیرا در فرمانبرداری و پیروی اوامر خداوند با موسی علیه السلام نسبت به دیگران پیش قدم و پیشتاز است، به همین منظور خودش این روز را روزه گرفت و امتش را نیز به روزه‌ی عاشورا امر فرمود.

در همان وقت پیامبر صلی الله علیه و آله دوست داشت تا با اهل کتاب موافقت و نزدیکی وجود داشته باشد خصوصاً در مسائلی که از طرف خداوند مأمور به مخالفت آنها نشده باشد، همچنین آنحضرت صلی الله علیه و آله میخواست تا میان اهل کتاب و مسلمانان فضای محبت و الفت ایجاد گردد، اما هنگامی که

عداوت، دشمنی و ضدیت آنها را در مقابل مسلمانان درک کرد، بعد از فتح مکه به مخالفت با آنها دستور داد.^۱

پیامبر ﷺ آگاهی داد که خود و امتش مستحق تر و نزدیک تر به موسی ﷺ نسبت به یهودند، هنگامی که موسی ﷺ شکر خداوند را بجا آورد و این روز را روزه گرفت پس ما باید به طریق اولی به ایشان اقتدا نمائیم و از ایشان پیروی کنیم، به ویژه اگر بگوییم: شریعت امت های قبلی برای ما شریعت است به شرط اینکه با شریعت ما تعارضی نداشته باشد. تعظیم نمودن پیامبر ﷺ آنچه را که موسی ﷺ با عظمت شمرده است از نگاه پیروی شریعت موسی ﷺ نبوده بلکه از نگاه موافقت شریعت وی با شریعت محمد ﷺ می باشد، یا اینکه پیامبر ﷺ روزهی عاشورا را بخاطر نجات یافتن موسی ﷺ از چنگ فرعون و شکر گذاری خداوند از این واقعهی بزرگ روزه گرفت چنانکه آنحضرت ﷺ هنگامی که از قبول توبه ی داود ﷺ آگاه گردید به سجده افتاد و شکر خداوند را بجا آورد،^۲ روزه گرفتن آنحضرت ﷺ در روز عاشورا اختیاری بود نه واجب و فرض.^۳

ولی الله دهلوی می فرماید: راز و سرّ در مشروعیت روزهی عاشورا اینست که چون خداوند موسی ﷺ را از فرعون و قومش نجات داد موسی ﷺ بخاطر شکر گذاری خداوند این روز را روزه گرفت، به همین ترتیب این روز میان اهل کتاب و عرب سستی بجا ماند، سپس پیامبر ﷺ

۱- زاد المعاد ۷۰/۲.

۲- مرقاة المفاتیح ۳۰۴/۴.

۳- شرح معانی الآثار ۷۵/۲.

اینروز را مورد تأیید قرار داد.^۱ پس حکمت از گرفتن روزهی عاشورا همانا شکر گذاری خداوند بخاطر نجات موسی علیه السلام از فرعون است، و هر که اینروز را روزه بگیرد واقعاً در شکر گذاری خداوند با موسی علیه السلام اشتراک نموده است و این اجر و پاداش بزرگ را غنیمت شمرده است.^۲

انواع روزهی عاشورا

علما روزهی روز عاشورا را به چهار نوع تقسیم نموده‌اند که از قرار ذیل می‌باشد:^۳

نوع اول: روزه گرفتن نهم، دهم و یازدهم محرم.

نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم.

نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم یا دهم با یازدهم محرم.

نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم.

نوع اول روزه گرفتن نهم و دهم و یازدهم محرم

این نوع بهترین و افضل‌ترین انواع فوق بشمار می‌رود و دلیل افضلیت آن حدیث ابن عباس رضی الله عنه است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «روز عاشورا را روزه بگیرید و با یهود مخالفت نمایید، یک روز قبل و یک روز بعدش را نیز روزه بگیرید».^۴

۱ - حجة الله البالغة ۲/۵۳۲.

۲ - حکمة التشريع و فلسفته از جرجاوي ۲۱۲/۱.

۳ - مجلة البلاد - ابوتراب ظاهري عدد ۸۳۵۱ محرم ۱۴۰۷ هـ - ص ۵.

۴ - شعب الإيمان از بیهقي ۳/۳۶۵.

فوایدی که در روزه گرفتن نهم و دهم و یازدهم محرم موجود است:

- ۱- پاداش روزه‌ی یکماهه برای روزه دار داده می‌شود زیرا یک نیکی در میزان خداوند برابر با ده نیکی است.
- ۲- روزه گرفتن در ماه محرم بهتر از هر ماهی بعد از رمضان است.
- ۳- با گرفتن روزه‌ی نهم و یازدهم همراه با دهم محرم، مخالفت با روزه‌ی یهود می‌باشد.
- ۴- گناهان یک سال قبل مورد عفو قرار می‌گیرد مشروط براینکه از گناهان کبیره اجتناب ورزیده شود.^۱

نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم

در این مورد احادیث زیادی وارد است که بطور نمونه حدیثی را که امام مسلم از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده است ذکر می‌نمائیم: هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن این روز امر فرمود یاران آن حضرت رضی الله عنه فرمودند: ای رسول خدا این روز با عظمتی نزد یهود و نصاری است، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه سال آینده این روز فرا رسید إن شاء الله روز نهم را نیز روزه خواهیم گرفت».^۲

و در روایت دیگری چنین آمده است: «اگر زنده بودیم با آنها مخالفت می‌ورزیم و روز نهم را روزه می‌گیریم».^۳

۱- بهجة الناظرین ص ۱۵۹.

۲- مسلم ۷۹۸/۲.

۳- طبرانی در معجم کبیر ۱۳۱/۱۱.

فواید روزه گرفتن نهم و دهم محرم:

- ۱- مخالفت با یهود، زیرا آنها تنها روز دهم محرم را روزه می گرفتند.
- ۲- احتیاط در روزه‌ی دهم محرم، ترس از ناقص بودن مهتاب و یا احتمال خطا نمودن در تعیین روز نهم محرم، که شاید روز دهم باشد.

۳- دوری از روزه گرفتن منفرد مانند روز جمعه که بعضی‌ها مکروه گفته‌اند.^۱ ابن عباس رضی الله عنه روز نهم و دهم را روزه می گرفت تا روز عاشورا را از دست ندهد.^۲

نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم و یا دهم با یازدهم ماه محرم

دلیل این نوع حدیث ابن عباس رضی الله عنه است که آنحضرت صلی الله علیه و آله در مورد روزه‌ی عاشورا فرموده است:

اینروز «عاشورا» را روزه بگیرید و یک روز قبلش و یا یک روز بعدش را نیز روزه بگیرید و با یهود مشابَهت اختیار نکنید.^۳ ابن همام می نویسد: گرفتن روزه عاشورا مستحب است همچنین روزه گرفتن یک روز قبل و یا یک روز بعدش نیز مستحب است، زیرا روزه‌ی منفرد عاشورا مکروه است چون مشابَهت با یهود می باشد.^۴ روزه گرفتن نهم محرم از سه نگاه مطلوب است:

۱- مجموع از نووی ۳۸۳/۶.

۲- لطائف الاخبار از ابن رجب ص ۴۹.

۳- شرح معانی الآثار از طحاوی ۷۸/۲.

۴- شرح فتح القدیر ۳۰۲/۲ و مرقاة ۲۸۸/۴.

- ۱- احتیاط در روز عاشورا ۲- از روزهای دهه‌ی اول ماه محرم است
- ۳- و از روزهای ماه حرام بشمار می‌رود.
- روزه گرفتن دهم محرم نیز از سه نگاه مطلوب می‌باشد:
- ۱- اینکه روز عاشورا ۲- از روزهای دهه‌ی اول ماه محرم است.
- ۳- از جمله‌ی روزهای ماه حرام می‌باشد.

و روزه گرفتن یازدهم محرم از دو نگاه مطلوب می‌باشد:

- ۱- احتیاط نمودن در روز عاشورا. ۲- از روزهای ماه حرام بشمار می‌رود.^۱

نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم به تنهایی

این مرتبه از پائین ترین مراتب روزه‌ی عاشورا می‌باشد و دلیل آن حدیث عایشه رضی الله عنها است که فرموده است: آنحضرت صلی الله علیه و آله روز دهم محرم را به روزه گرفتن امر فرمود.^۲ بعضی از علماء روزه گرفتن دهم محرم را به تنهائی مکروه گفته‌اند، مگر حکم نمودن به کراهیت آن بطور قطعی درست نبوده زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در طول حیاتش عاشورا را بطور منفرد روزه می‌گرفت و در آخر آرزو داشت تا در سال آینده روز نهم را با دهم محرم روزه بگیرد.^۳

۱- فتح‌العلام از جردانی ۴۱۸/۳.

۲- مجمع‌الزوائد از هیثمی ۱۸۹/۳.

۳- حاشیه ابن عابدین ۳۷۵/۲، معارف السنن از کشمیری ۱۱۲/۶، الفتاوی الهندیة ۲۰۲/۱.

فضیلت روز عاشورا

روز عاشورا روز مبارک، با عظمت و دارای فضیلت‌های بی شماری است که روزه گرفتن درین روز خجسته میان همه پیامبران پیشین معروف و مروج بوده است. نوح علیه السلام بخاطر بجا آوردن شکر خداوند که او را از قومش نجات داد این روز را روزه می‌گرفت. همچنین موسی علیه السلام اینروز را روزه گرفته است تا شکر خداوند را بخاطر نجات یافتنش از فرعون و قومش بجا آورد، چنانکه یهود اینروز را روزه می‌گیرد و نصاری اینروز را با عظمت می‌شمارند، قریش نیز احترامی ویژه به این روز داشتند لذا پوشش کعبه در روز عاشورا صورت می‌گرفت و اینروز را روزه نیز می‌گرفتند، به همین منظور پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روز عاشورا را گرمی می‌داشت و در انتظار رسیدن اینروز می‌موند. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می‌فرماید: «من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ندیدم که روزه ای را بر دیگر روزه‌ها بهتر بشمارد و در جستجوی آن باشد، مگر روزهی عاشورا و این ماه: یعنی ماه رمضان»^۱.

به این معنی احادیث زیادی روایت شده است که همه دلالت بر فضیلت روزه گرفتن عاشورا بعد از ماه رمضان می‌کند، لذا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم به روزه گرفتن عاشورا مداومت می‌نمود، از حفصه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهار چیز را هیچگاه ترک نمی‌کرد: روزهی عاشورا، روزهی ده روز ذی الحجه، روزهی سه روز از هرماه و دو رکعت نماز قبل از چاشت»^۲.

روزه‌ی روز عاشورا گناهان سال گذشته را محو می‌کند چنانکه از ابی قتاده روایت است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد روزهی عاشورا پرسیده

۱- بخاری ۵۹/۲.

۲- سنن نسائی ۲۲۰/۴.

شد آنحضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «گناهان سال گذشته را محو می‌کند»^۱. و مراد از محو گناهان همانا گناهان صغیره است، اگر گناه صغیره نداشته باشد پس امید است از گناهان کبیره اش کاسته شود، اگر گناه کبیره نیز نداشت پس مرتبه و مقام این مؤمن ارتقا می‌یابد^۲.

ملا علی قاری در مرقاة از امام حرمین نقل می‌کند که پاک کننده‌ی گناهان صغیره است، و از قاضی عیاض نقل می‌کند که نظر اهل سنت درین مورد همانا صغائر است اما گناهان کبیره به توبه یا رحمت خداوندی محو می‌گردد^۳.

اما آنچه بر سر زبانهای بعضی مردم در مورد فضیلت روز عاشورا می‌باشد دروغ و بهتان محض است مثلاً گفته‌اند: آدم علیه السلام در این روز آفریده شده است و در این روز داخل بهشت گردید، و درین روز خداوند عرش، کرسی، آسمانها زمین، آفتاب، مهتاب، ستارگان و بهشت را آفریده است، و یا اینکه گفته‌اند درین روز ابراهیم علیه السلام و عیسی علیه السلام آفریده شده‌اند و یا اینکه ادريس علیه السلام بالا برده شد و یا به سلیمان علیه السلام پادشاهی زمین سپرده شد، و چشمان یعقوب علیه السلام بینا گردید، و ایوب علیه السلام از مرض شفا یافت و امثال اینها همه نادرست است، بعضی‌ها از پاداش نماز خواندن در این روز صحبت می‌کنند، یا از فراخی روزی و نفقه بر اهل و عیال و سرمه نمودن و عطریاشیدن و حنا گذاشتن و پختن حبوبات در این

۱- مسلم ۸۱۹/۲.

۲- شرح مسلم از نووی ۵۱/۸.

۳- مرقاة المفاتیح ۲۹۱/۴.

روز صحبت می نمایند که همه ساختگی و افترا بوده و بر هیچ دلیلی استوار نیست.

ولی سوالی که اینجا مطرح می شود این است که از پیامبر ﷺ در مورد روزهی عرفه روایت شده است که گناهان دو سال را محو می کند چنانکه می فرماید: «امیدوارم که خداوند روزهی روز عرفه را سبب محو شدن گناهان یک سال قبلش و یک سال بعدش قرار دهد و امیدوارم که خداوند روزهی عاشورا را سبب کفارهی گناهان سال گذشته قرار دهد»^۱.

ظاهر این حدیث اینست که روز عرفه افضل و بهتر از روز عاشورا است. بعضی علما درین مورد چنین گفته اند: حکمت در فضیلت روز عرفه بر روز عاشورا آنست که عرفه روز محمدی است، یعنی روزه گرفتن این روز مختص به امت محمد ﷺ است و عاشورا روز موسوی است و پیامبران ﷺ افضل ترین پیامبران (علیهم السلام) است لذا یک روزش محوکنندهی گناهان دو سال می باشد.^۲

روزه‌ی پیامبران علیهم السلام در عاشورا

پیامبران (علیهم السلام) و اقوام شان روزه می گرفتند، و به هر دیانتی که خداوند را به یگانگی پرستش می کردند با روزهی فرضی آشنایی داشتند^۳. ولی سنت و طریقه‌ی هر پیامبری در روزه گرفتن با دیگران فرق داشت، مثلاً نوح ﷺ اکثر روزهای سال را روزه می گرفت عیسی ﷺ یک روز

۱- مسلم ۵۱/۸.

۲- مغنی المحتاج ۴۴۶/۱.

۳- من نفحات رمضان ص ۹۱ عکاظ عدد ۵۵۲۳- ۱۴۰۱ هـ.

روزه می گرفت و دو روز یا چند روز بی روزه می بود.^۱ همچنین آدم علیه السلام سه روز از هر ماه (۱۳-۱۴-۱۵) را روزه می گرفت.^۲ و داود علیه السلام یک روز روزه می گرفت و یک روز نمیگرفت که اینگونه روزه بهتر و محبوبتر در نزد خداوند است.^۳ و موسی علیه السلام در یک سال چهل روز آنرا روزه می گرفت^۴، و پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله روزهای دوشنبه و پنجشنبه و روزهای ۱۳-۱۴-۱۵ از هر ماه و نهم ذی الحجه و شش روز از شوال و عاشورا را روزه می گرفت.

پیامبرانی که روز عاشورا را روزه گرفته‌اند نوح علیه السلام، موسی علیه السلام، و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند و گمان می‌رود که عیسی علیه السلام نیز این روز را روزه گرفته است زیرا بعضی از احکام شریعت موسی علیه السلام منسوخ نگردیده بود.^۵

حالا به طور مختصر روزه‌ی پیامبران فوق الذکر را که روز عاشورا را روزه می‌گرفتند ذکر می‌نمائیم:

روزه‌ی نوح علیه السلام در روز عاشورا

نوح علیه السلام اولین پیامبری است که خداوند وی را بسوی قومش فرستاد، زیرا شرک و بت پرستی اولین بار در قوم نوح علیه السلام پدید آمده بود، نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال قوم خود را به یگانه پرستی و توحید دعوت نمود ولی

۱- حجة الله البالغة از دهلوی ۵۴/۲.

۲- عمدة القاري از عینی ۲۵۴/۱۰.

۳- بخاري ۵۲/۲.

۴- مقارنة الأديان ۱۵۸/۳.

۵- فتح الباري ۲۴۸/۴.

جز چند فردی از قومش کسی به سخنانش گوش فرا نداد تا آنکه باعث قهر و غضب خداوند شد، خداوند نوح علیه السلام را امر فرمود تا کشتی بسازد و مؤمنان قومش را باخود سوار نماید، سپس خداوند باران شدیدی را فرود آورد و زمین نیز آب خود را بیرون نمود و همه جا را آب فراگرفت و در نتیجه همه‌ی کافران غرق گردیدند که از جمله زن نوح علیه السلام و پسرش نیز غرق گردیدند، خداوند مؤمنان را بخاطر پیروی و فرمانبرداری شان از فرستاده اش نجات داد.^۱ خداوند این قصه را در قرآن مجید چنین بیان می‌کند: ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ﴾ [الأعراف: ۶۴]

ترجمه: «اما آنان او را تکذیب کردند، پس ما او را و کسانی را که باوی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب نمودند، غرق کردیم، چرا که آنان مردمان نابینائی بودند «حق را نمی دیدند».

خداوند می‌فرماید: ﴿أَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ [۱۱۹] ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ [الشعراء: ۱۱۹-۱۲۰]

ترجمه: «ما او و کسانی را که با او بودند در کشتی پر(از انسانها و حیوانهای گوناگون) نجات دادیم، سپس بقیه را غرق کردیم».

خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ [۱۵] [العنكبوت: ۱۵].

ترجمه: «ما نوح و سرنشینان کشتی را (از امواج طوفان) نجات دادیم و کشتی را (داستان آنرا) پند و عبرتی برای جهانیان گردانیدیم».

خداوند روز نجات یافتن کشتی سواران را ذکر ننموده است مگر بعضی مفسران در تفسیر فرموده‌ی خداوند ﴿وَأُسْتُوتَ عَلَى الْجُودِي﴾ [هود: ۴۴] «وکشتی بر کوه جودی پهلوی گرفت». می‌گویند: که استقرار یافتن کشتی بر کوه جودی روز عاشورا بود، نوح علیه السلام اینروز را بخاطر بجا آوردن شکر خداوند روزه گرفت و همه کسانی را که در کشتی با او موجود بودند اعم از انسان‌ها و پرندگان و درندگان و چهارپایان امر نمود تا اینروز را روزه بگیرند شکر و سپاس خداوند را بجا آورند.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که آن حضرت صلی الله علیه و آله روزی از نزد بعضی یهودیان می‌گذشت در حالیکه آنها روزه داشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها پرسید: «این چه روزی است که شما روزه گرفته اید؟» گفتند: این روزی است که خداوند موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را از غرق شدن نجات داد و فرعون را غرق نمود، و این روزیست که کشتی بر جودی استقرار یافت، سپس نوح علیه السلام و موسی علیه السلام این روز را روزه گرفتند تا شکر خداوند را بجا آورند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من نزدیک‌تر از شما به موسی هستم و اولی تر از شما به روزه گرفتن این روز هستم، سپس یاران خود را به روزه گرفتن این روز امر فرمود».

روزه‌ی موسی علیه السلام در عاشورا

فرعون در کفر و سرکشی اش افراط نمود و نخواست به اوامر فرستاده‌ی خدا گردن نهد، و تصمیم گرفت تا موسی علیه السلام را به قتل رساند خداوند به موسی علیه السلام امر کرد که با قومش «بنی اسرائیل» مصر را ترک کرده شب هنگام به شکل مخفیانه بسوی سرزمین فلسطین حرکت نمایند هنگامیکه فرعون از بیرون رفتن موسی با بنی اسرائیل آگاه گردید، با لشکرش به

تعقیب آنان پرداخت، موسی علیه السلام با همراهانش هنگام صبح به ساحل دریای سرخ رسیدند، فرعون نیز با لشکرش هنگامی که آفتاب بالا می‌آمد به این ساحل رسیدند بنی اسرائیل سخت احساس خطر کردند، چون در مقابلشان دریا و در پشت سرشان دشمن قرار داشت، آنها یقین داشتند که مرگ و هلاکت دامنگیر آنهاست در این وقت خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد تا با عصای خود به دریا بزند موسی علیه السلام این کار را عملی کرد همین بود که دریا به قدرت و امر خداوند شکافته شد موسی علیه السلام از میان دریا بالای زمین خشک، با همراهانش عبور نمودند، فرعون نیز در این موقع که دریا شکافته شده بود، رسید و با لشکرش داخل این راه خشک گردید تا موسی و بنی اسرائیل را نابود نماید، ولی آب دریا با هم یکجا شده، راه مسدود گردید و فرعون با لشکرش غرق شدند.

خداوند موسی علیه السلام و همه‌ی همراهانش را از این هلاکت نجات داد.^۱
قرآن کریم نجات یافتن موسی علیه السلام با قومش، و غرق شدن فرعون و لشکرش را در آیاتی چنین تصویر می‌نماید: ﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ۖ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ ۖ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْإِيمِّ مَا غَشِيَهُمْ ۗ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ ۖ وَمَا هَدَىٰ ۚ﴾ [طه: ۷۷-۷۹]

ترجمه: «ما به موسی پیام دادیم که شبانه بندگانم را کوچ بده، و آنگاه راهی خشک برای آنان در این دریا بگشا (راهی که چون در آن گام بگذاری) نه از فرعونیان میترسی که به تو برسند و نه (از غرق شدن)

هراسی داری، فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند، دریا آنان را
 بگونه‌ی شگفت‌انگیزی در میان امواج خود گرفت، فرعون قوم خود را
 گمراه ساخت و هدایت ننمود».

خداوند در سوره‌ی یونس می‌فرماید: ﴿وَجَلَّوْنَا بِنِيِّ إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ
 فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِءَ بَنُو إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾﴾ [یونس ۹۰]

ترجمه: «بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم فرعون و لشکریانش برای
 ظلم و تعدی آنان را دنبال کردند و در پی ایشان راه افتادند، تا بدانجا که
 غرقاب فرعون را در خود پیچید گفت: ایمان دارم که خدائی وجود ندارد
 مگر آن خدائی که بنی اسرائیل بدو ایمان آورده‌اند و من از زمره‌ی
 فرمانبرداران هستم».

خداوند در سوره‌ی شعرا چنین می‌فرماید: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِبْ
 بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾
 وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾﴾. [الشعراء: ۶۳: ۶۶]

ترجمه: «بدنبال آن به موسی پیام دادیم که عصای خود را به دریا بزن،
 دریا از هم شکافت و هر بخشی همچون کوه بزرگی گردید و در آنجا
 دیگران را (به موسی و قومش) نزدیک گردانیدیم، موسی و جملگی
 همراهان او را نجات دادیم سپس دیگران را غرق کردیم».

روزی که خداوند موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را نجات داد، روز عاشورا
 بود، لذا موسی علیه السلام و بنی اسرائیل اینروز را بخاطر شکر گذاری خداوند
 روزه گرفتند.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه‌ی منوره هجرت نمود، یهودیان را دید که روز عاشورا روزه می‌گیرند، آنحضرت صلی الله علیه و آله از آنها پرسید: «این چه روزی است که شما روزه می‌گیرید؟» گفتند: این روز با عظمتی است خداوند در این روز موسی علیه السلام و قومش را نجات داد و فرعون و لشکرش را غرق نمود، لذا موسی علیه السلام این روز را بخاطر شکر و سپاس خداوند روزه گرفت و ما نیز این روز را روزه می‌گیریم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس ما نزدیک‌تر و شایسته‌تر از شما به موسی علیه السلام هستیم». همین بود که پیامبر صلی الله علیه و آله این روز را روزه گرفت و امر به روزه گرفتن آن نمود.^۱ ابن حجر رحمه الله علیه می‌گوید: نوح و موسی علیهما السلام در معجزه‌ی آب، مشترک هستند زیرا طوفان کشتی نوح را حمایت نمود، و دریا برای موسی علیه السلام شکافته شد و هر دو با مردم مؤمن قومشان نجات یافتند، به همین منظور هر دو بخاطر شکر گزاری خداوند اینروز را روزه گرفتند.^۲

روزه گرفتن پیامبر گرامی مان صلی الله علیه و آله در عاشورا

پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا را در مکه مکرمه قبل از هجرت و در مدینه منوره بعد از هجرت روزه می‌گرفت، این روز خجسته از نخستین روزگار شریعت محمدی منزلت و قداست و عظمت بس بزرگی داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه‌ی معظمه قبل از هجرت اینروز را با روزه گرفتن زنده نگهداشته بود اگرچه دیگران را به آن امر ننموده بود، و این دلیل اصالت و نجابت در عبادت این روز است که آن حضرت صلی الله علیه و آله به روزه گرفتن و شکرگذاری خداوند آن را سپری می‌نمود.

۱- مسلم ۷۹۶/۲.

۲- فتح الباری.

علما روزه گرفتن پیامبر ﷺ در روز عاشورا را به چهار مراحل تقسیم نموده‌اند که از قرار ذیل است:

۱- در مکه‌ی مکرمه قبل از هجرت به مدینه منوره آن حضرت ﷺ روز عاشورا را به تنهایی روزه می‌گرفت و کسی دیگر را به آن امر نکرد.

۲- در مدینه‌ی منوره بعد از هجرت نمودن و قبل از اینکه روزه‌ی رمضان فرض گردد یعنی در محرم سال دوم هجرت روز عاشورا را آن حضرت ﷺ روزه گرفت و مسلمانان را نیز به روزه گرفتن آن امر فرمود.

۳- بعد از فرض شدن روزه‌ی رمضان آنحضرت ﷺ روز عاشورا را روزه گرفت ولی یاران خود را به آن امر نکرد، بلکه اختیار روزه گرفتن و یا نگرفتن را در این روز به آنها گذاشت، لذا بعضی از یاران پیامبر ﷺ این روز را روزه نمی‌گرفتند.

۴- پیامبر ﷺ در سال دهم هجری، و یک سال قبل از رحلتش از دنیا روز عاشورا را روزه گرفت و خواستار اضافه نمودن نهم و یازدهم ماه محرم با روز دهم گردید، تا با یهود مخالفت صورت گیرد، ولی آن حضرت ﷺ روز نهم و یازدهم را با دهم نتوانست روزه بگیرد، چون به رفیق اعلی پیوست. علیه أفضل الصلوات والتسلیمات^۱.

۱- شرقاوی، ازهر، ج ۱ سال ۴۴ محرم ۱۳۹۲ ص ۲۹.

روزه گرفتن صحابه و تابعین در روز عاشورا

صحابه‌ی کرام رضی الله عنهم روز عاشورا را قبل از فرض شدن رمضان روزه می‌گرفتند چونکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به روزه گرفتن اینروز ترغیب نموده بود ولی بعد از فرض شدن رمضان روزه گرفتن عاشورا اختیاری باقی ماند بعضی از صحابه این روز را روزه می‌گرفتند و بعضی از آنها روزه نمی‌گرفتند، آن عده از صحابه رضی الله عنهم که این روز را روزه می‌گرفتند عبارتند از: ابوبکر صدیق، عمر فاروق، علی بن ابی طالب، عبدالرحمن بن عوف، ابو موسی اشعری، قیس ابن سعد، اشعث بن قیس، عبد الله بن عباس، معاویه بن ابی سفیان، شقیق بن سلمه رضی الله عنهم أجمعین. و از تابعین ابن سیرین، ابن شهاب زهری، ابو اسحق سبیعی، علی بن حصین، سعید بن جبیر و طاوس رحمهم الله أجمعین این روز را روزه می‌گرفتند.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش اهتمام خاصی به روزه‌ی عاشورا داشتند و مردم را به روزه گرفتن تشویق و ترغیب می‌نمودند، ابن مسیب می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و ابوبکر و عمر رضی الله عنهم به روزه گرفتن روز عاشورا امر می‌نمودند.^۲ حضرت عمر فاروق رضی الله عنه شخصی را نزد حارث بن هشام فرستاد تا اینروز را روزه بگیرد و خانواده اش را نیز به روزه گرفتن امر نماید.^۳

۱- التبصرة از ابن جوزی ۸/۲.

۲- کنز العمال ۶۵۸/۸.

۳- موطأ ۲۹۹/۱.

چنانکه علی بن ابی طالب و ابو موسی اشعری رضی الله عنهما به روز گرفتن روز عاشورا امر می نمودند، اسود بن یزید می گوید: هیچکس را مانند علی بن ابی طالب و ابو موسی ندیدیم که به روزه گرفتن عاشورا امر نماید^۱ ابو معاویه می گوید: از حضرت علی رضی الله عنه شنیدم که در روز عاشورا اعلان می نمود: ای مردم اگر کسی چیزی خورده باشد پس باقیمانده‌ی روز را روزه بگیرد،^۲ همچنین روایت است که علی رضی الله عنه امر می فرمود تا روز نهم و یازدهم با روز دهم احتیاطاً روزه گرفته شود زیرا گناهان سال قبل را محو می کند، اگر کسی متوجه نبود و در طول روز یادش آمد پس باقیمانده‌ی روز را روزه بگیرد.^۳ به عایشه رضی الله عنها گفته شد که علی رضی الله عنه به روزه گرفتن عاشورا امر می نماید! عایشه رضی الله عنها فرمود: علی از همه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داناتر است.^۴ روایات فوق و دیگر روایات دلالت به حرص این صحابی جلیل القدر به روزه گرفتن عاشورا می نماید.

بعضی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند عبدالله بن مسعود و عائذ مزنی و عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما أجمعین روزه گرفتن عاشورا را ترک نموده بودند ولی روایاتی وجود دارد که آنها اینروز را روزه می گرفتند، و علت و انگیزه‌ی روزه نگرفتن آنها اینست که نمی خواستند منزلت و مرتبه‌ی روزه‌ی عاشورا بلندتر از رمضان گردد لذا گاهی روزه می گرفتند و گاهی ترک می کردند تا به مردم بفهمانند که روزه‌ی عاشورا اختیاری و نفلی است.^۵

۱- مصنف عبدالرزاق ۲۸۷/۴.

۲- تهذیب الآثار ص ۳۸۹.

۳- تهذیب الآثار ص ۳۹۰.

۴- مصدر سابق و عمده القاری ۵۶/۱۰.

روزه گرفتن قریش و اهل جاهلیت در روز عاشورا

روایات زیادی وجود دارد که دلالت واضح بر روزه گرفتن اهل جاهلیت بویژه قریش در روز عاشورا می‌کند، ابن قیم می‌گوید: روزه‌ی عاشورا از جمله شعائر دینی قریش محسوب می‌شد و اینروز را تعظیم می‌نمودند، در این روز کعبه را می‌پوشانیدند و روزه می‌گرفتند.^۱

از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: قریش در عهد جاهلیت، عاشورا را روزه می‌گرفتند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به روزه گرفتن آن امر فرمود تا آنکه روزه‌ی رمضان فرض گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس می‌خواهد روزه گیرد و هر که می‌خواهد روزه نگیرد».^۲

امام نووی می‌فرماید: از مجموعه‌ی احادیث چنین فهمیده می‌شود که اهل جاهلیت، چه کفار قریش چه یهود و یا دیگران اینروز را روزه می‌گرفتند، تا اینکه اسلام به روزه گرفتن آن تأکید نمود، سپس سبکتر از تأکید اولی آن باقی ماند.^۳

مگر چگونگی و سبب روزه گرفتن آنها واضح نیست که چرا این روز را روزه می‌گرفتند؟ و آیا از فجر تا غروب آفتاب از خوردن و نوشیدن امتناع می‌ورزیدند؟ یا اینکه از یک غروب تا غروب دیگر ادامه می‌یافت؟
والله اعلم

۱ - زاد المعاد ۲/ ۷۰.

۲ - بخاری و مسلم باب صوم عاشورا.

۳ - شرح مسلم ۹/۸.

آیا روز زینت، روز عاشورا بود؟

خداوند در سوره طه می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۝٥٦ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمُوسَىٰ ۝٥٧ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ ۚ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۝٥٨ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَن يُخْشَرَ النَّاسُ ضَحًى ۝٥٩﴾ [طه: ۵۶-۵۹]

ترجمه: «ما همه‌ی معجزات خود را به فرعون نشان دادیم، ولی او (همه‌ی آنها را) تکذیب کرد و سر پیچی نمود. (فرعون) گفت: ای موسی! آیا آمده‌ای که ما را با این جادوی خویش از سرزمین خودمان بیرون کنی؟ یقیناً ما هم جادوئی همسان جادوی تو را برای تو می‌آوریم موعِد آن را معین کن، موعدی که ما و تو از آن تخلف نکنیم، و وعده گاه ما مکان صاف و مسطح و فاصله‌ی آن نسبت به همگان یکسان باشد. (موسی) گفت: میعاد ما و شما روز جشنی است که در آن خود را می‌آرایند. باید مردم در چاشتگاه گرد آورده شوند (تا ماجرائی را ببینند که میان ما و شما می‌گذرد)».

خداوند متعال خواست تا صدق نبوت موسی علیه السلام را به فرعون ثابت نماید، لذا معجزه‌هایی چون عصا، ید بیضاء (وقتی موسی علیه السلام را زیر بغلش می‌برد و بیرون می‌آورد همچون نور مطلق می‌درخشید)، قحطی، کمی در ثمرات، طوفان، ملخ، شپش، بقه (قورباغه)، خون، محو و ناپدید شدن اموال، گره شدن قلب‌ها، را پیاپی به موسی علیه السلام عطا فرمود تا فرعون به خود آید و از استکبار و غرور و تکذیب دست

کشد، ولی فرعون بخود نیامد و موسی علیه السلام را متهم به جادوگری نمود، و خواست تا با جادو با وی مقابله نماید و به مردم بفهماند که موسی علیه السلام جادوگری بیش نیست و از موسی خواست تا روز مقابله با جادوگران را تعیین نماید، موسی علیه السلام گفت: وعده‌ی ما روز زینت است، فرعون برای اینروز خود را کاملاً آماده کرد و از هر سو جادوگران معروف و برجسته را خواست تا بر موسی غالب آیند، روز زینت فرا رسید و فرعون با جادوگرائش وارد میدان شدند، موسی از آنها خواست تا جادویشان را به نمایش بگذارند، جادوگران ریسمان‌ها و عصاهای خود را به میدان افکندند، در چشم موسی علیه السلام چنین ظاهر شد که گویا مارها و اژدرها به حرکت آمده است، موسی علیه السلام در دل ترسید ولی خداوند به وی اطمینان داد که تو برتر هستی و امر نمود تا عصای خود را بیفکند، عصای موسی علیه السلام در میان بهت و شگفت همگان همه‌ی آنچه را که جادوگران افکنده بودند فرو برد، جادوگران همه به سجده افتادند و به خداوند و پیامبرش ایمان آوردند.^۱

مفسرین بزرگ اسلام مانند ابن عباس، ابن عمر، سعید ابن جبیر، و ابوحنیفه این روز زینت را روز عاشورا گفته‌اند.^۲ از کریب بن سعد روایت است که عمر بن خطاب چنین فرمود: خداوند تبارک و تعالی در روز رستاخیز از هیچ روزه‌ای جز روزه‌ی رمضان و روز زینت یعنی روزه‌ی عاشورا شما را مورد باز پرس قرار نمی دهد.^۳

۱- قصص انبیاء از ابن کثیر ۴۲/۲.

۲- بحر محیط ۲۵۰/۶.

۳- کنز العمال ۶۵۵/۸.

عاشورا در عهد اموی‌ها و عباسی‌ها

به همین ترتیب مسلمانان روز عاشورا را روزه می‌گرفتند، تا اینکه عهد یزید بن معاویه فرا رسید و متأسفانه در سال ۶۱ هجری حضرت حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، روز شهادت حسین علیه السلام مصادف با روز دهم محرم سال ۶۱ هجری بود. این حادثه‌ی دردناک پیامدهای مختلفی از خود بجا گذاشت.

بعضی اموی‌های (به ظاهر) سنی مذهب (اما در واقع ناصبی)، اینروز را روز فرخنده و عید شمردند، لذا لباس جدید می‌پوشیدند و سرمه می‌زدند و با مراسم و مهمانی‌ها اینروز را تجلیل می‌نمودند و شیرینی و غذاهای خوب به مردم تقدیم می‌کردند.

اما پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان اینروز را ماتم گرفتند، و بخاطر یاد بود شهادت حضرت حسین علیه السلام اشک می‌ریختند و اظهار غم و اندوه می‌نمودند، از خوردن و نوشیدن چیزهای خوب امتناع می‌ورزیدند.

هنگامیکه حجاج بن یوسف در عهد عبدالملک، والی عراق تعیین گردید مردم را مجبور به پوشیدن لباس جدید، خوردن و نوشیدن غذاهای خوب و اظهار خوشحالی و سرور نمود، به همین خاطر متأسفانه گاهی درگیری‌ها و زد و خوردهایی میان سنی‌ها و شیعه‌ها رخ می‌داد.^۱

روز عاشورا باید بخاطر اقتدا به پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و حصول اجر و ثواب روزه گرفته شود، نه بخاطر اظهار شادی و خوشحالی و یا غم و مصیبتی، چون روزهی اینروز هیچ ارتباطی به خوشی و غم کسی ندارد. بدین ترتیب روز عاشورا در همان عهد اموی‌ها و ابتدای عهد عباسی‌ها از سیر اصلی اش منحرف شده بود که متأسفانه باعث ایجاد تفرقه و زد و خورد های خونینی میان شیعه و اهل سنت می‌گردید.^۱

عاشورا در عهد فاطمی‌ها

دولت فاطمی‌ها در سال ۳۵۸ هجری در مصر و مغرب عربی پا گرفت، این دولت شیعه مذهب توجه و اهتمام خاصی به روز عاشورا داشت تا بتواند مصالح سیاسی خود را از این راه تأمین نماید و مردم را بخود جلب کند، لذا اعلان می‌کردند که روز عاشورا روز عزاداری و نوحه سرایی و اظهار غم و ماتم است، شیعیان در زیر سایه‌ی این دولت توانستند نفس آرامی بکشند و مراسم مذهبی خویش را هر طوریکه می‌خواهند اجرا نمایند، فاطمی‌ها از سال ۳۶۲ هجری تا زوال دولت شان در سال ۵۶۷ هجری مراسم عاشورا و غیره را تجلیل می‌نمودند، درین روز بازارها تعطیل می‌گردید و مردم لباس کهنه بتن می‌نمودند و به گریه و ناله و فغان می‌پرداختند، آنها به بازارها و خیابانها می‌آمدند، ظرفها را می‌شکستند، مشک‌های آب را پاره می‌نمودند، مردم را از صدقه و خیرات جز برای عزاداری منع می‌کردند و قاتلین حسین ﷺ را دشنام می‌دادند.^۲

۱- الأثر- محمد رجب بیومی عدد ۱ سال ۱۳۸۱ هـ.

۲- ظهور خلافة الفاطمیین وسقوطها ص ۳۲۰.

عاشورا در عهد ایوبی‌ها

هنگامی که دولت ایوبی‌ها در سال ۵۶۷ هجری جانشین دولت فاطمی در مصر و شام گردید و پایه‌های دولت شان مستحکم شد، روز عاشورا را روز شادی و خوشحالی اعلان کردند و آنرا جشن می‌گرفتند، درین روز مردم انواع و اقسام غذاهای لذیذ و دلپذیر آماده می‌کردند و با کمال مهارت شیرینی‌های گوناگون آماده ساخته و به مردم و مهمانان تقدیم می‌نمودند، درین روز همه لباس جدید می‌پوشیدند، دست و پایشان را حنا و چشمانشان را سرمه می‌زدند، حتی وسائل خانه را تجدید می‌کردند، خلاصه کارهایی میشد که شیعیان را به خشم و غضب می‌آورد، اینگونه کارها باعث گردید که مردم خیال کنند ماتم و عزاداری در روز عاشورا از ویژگی شیعه و شادی و خوشحالی از ویژگی اهل سنت است^۱.

عاشورا در عهد آل بویه

بغداد را آل بویه که شیعه علوی بودند در عهد خلافت عباسی‌ها زیر تصرف خود در آوردند، خلیفه‌ی عباسی نتوانست با حاکم بغداد معزالدوله دیلمی کنار بیاید و مانند سایر ولایات خلافت اسلامی وی را تابع خود سازد، معز الدوله در سال ۳۵۲ هجری در بغداد بدعت‌های زیادی را اختراع نمود، از جمله دستور صادر کرد که روز عاشورا، روز ماتم و

۱- المواعظ والاعتبار ۳۸۵/۲.

عزاداری باشد، و همه‌ی مردم باید لباس غم بتن نمایند و بازارها بسته شود، خرید و فروش ممنوع گردد، رستورانها و هتلها نیز در روز عاشورا باید کارشان را متوقف سازند. وی دستور داد تا زن‌ها با گریه و فغان و موهای باز، و سر و روی خونین و گریبانهای پاره به خیابانها بیایند، شیعیان عراق از عهد معزالدوله تا امروز عاشورا را به همین ترتیب تجلیل می‌نمایند، و لباس سیاه بتن می‌نمایند.^۱

ابن کثیر در البداية والنهاية می‌نویسد: شیعیان دولت آل بویه غلو و افراط زیادی نمودند، مثلاً در بغداد و دور و بر آن در روز عاشورا طفل‌ها به صدا در می‌آمد، در راهها و خیابانها خاکستر و کاه می‌ریختند، و بر مغازه‌ها چادرسیاه آویزان می‌گردید، مردم ماتم و عزاداری می‌کردند. اکثر آنها از نوشیدن آب در این روز امتناع می‌ورزیدند تا گویا با حسین علیه السلام که تشنه به شهادت رسید، همدردی کرده باشند. زن‌ها با گریه و ناله به خیابان‌ها می‌آمدند و به سر و صورت خود می‌زدند و گریبان پاره می‌کردند، و بدعت‌های زشت و شرم‌آوری در این روز اجرا می‌گردید.^۲

ملاعلی قاری می‌نویسد: در سر زمین عجم، مانند: خراسان، عراق و ماوراءالنهر منکرات و اعمال زشتی از شیعه بجا مانده است، آنها در روز عاشورا لباس سیاه می‌پوشیدند. و به خیابان‌ها می‌آمدند، سر و صورت و سایر بدن خویش را مجروح می‌کردند و مدعی بودند که دوستان اهل بیت هستند، در حالیکه اهل بیت از آنها بیزارند.^۳

۱ - النجوم الظاهرة ۳/۳۳۴، الأذهر ۱/۳۳ محرم ۱۳۸۱ ص ۷۵.

۲ - البداية والنهاية ۸/۲۰۴.

۳ - اسرار مرفوعة ص ۴۷۵.

چنانکه در سایر کشورها شیعیان در روز عاشورا محفل می گیرند، به طور مثال در عراق، ایران، هند، افغانستان، لبنان، سوریه، بحرین، کویت، و دیگر مناطق شیعه نشین با سیاه پوش کردن مساجد و بتن نمودن لباسهای سیاه تجلیل می گردد، آنها روز عاشورا را روز ماتم و عزا بر حضرت حسین علیه السلام اعلام می دارند^۱.

بدعت‌هایی که در عاشورا صورت می گیرد و باید از آن دوری جست

در این روز با عظمت و مبارک مردم بدعت‌هایی را اختراع نموده و مرتکب اعمال زشت و ناپسند می گشتند، شیخ الاسلام می نویسد: شیطان بعد از شهادت حضرت حسین علیه السلام توانست دو بدعت طی آن ایجاد نماید: یکی بدعت ماتم و عزاداری و زدن به سر و صورت، و گریه و فغان و تشنگی کشیدن و مداحی و نوحه سرایی که طی آن بزرگان صدر اسلام مورد لعن و طعن قرار می گیرند، حتی کسانی که در جرم شهادت حضرت حسین علیه السلام دست نداشتند مورد لعن و دشنام قرار می گیرند و قصه‌ها و حکایتهای کاذب و دروغینی را ساخته‌اند، این اعمال باعث گردید تا در میان مسلمانان اختلاف و تفرقه ایجاد گردد. ماتم گرفتن و عزاداری کردن و گریه و فغان بر مردگان باتفاق همه‌ی مسلمانان جایز نیست. و اینکه بر غم‌ها و مصیبت‌های گذشته، ناله و فغان صورت گیرد از گناهان بزرگ بشمار می رود که خداوند و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم از آن منع نموده‌اند، همچنانکه

بدعت شادی و سرور در روز عاشورا درست نیست و پیامبر ﷺ و خلفای بعد از ایشان اینکار را سنت نگذاشته‌اند، پس اینروز نه روز شادی و سرور است و نه روز غم و اندوه.^۱

از دیگر بدعت‌ها در این روز پختن حبوبات و توزیع آن بر فقرا و مساکین است. و ادعا دارند که اینکار ثواب زیادی دارد، ولی تشخیص کارهایی که ثواب دارد دلیل قاطع که از پیامبر ﷺ ثابت شده باشد می‌خواهد، لیکن دلیلی وجود ندارد پس این کار بدعت و گمراهی می‌باشد.^۲ و از دیگر بدعت‌های اختراع شده در این روز، پوشیدن لباس جدید، و خرج و خوراک خیلی خوب و خریدن ضروریات منزل و سرمه کشیدن و حنا کردن و غسل نمودن، دید و بازدیدها و زیارت مساجد و قبرستانها و آرامگاه‌ها، و دیگر بدعت‌هایی که نه پیامبر ﷺ و نه خلفای راشدین و نه علمای بزرگ اسلام مانند امامان چهار مذهب اهل سنت و نه اوزاعی و ثوری و اسحق بن راهویه و لیث و غیره این اعمال را انجام داده و سنت گذاشته‌اند.^۳

احادیثی که درین مورد ذکر است همه موضوع و ساختگی است.^۴ همچنین تأخیر زکات تا روز عاشورا بدعت است بطور مثال زکات در ماه صفر یا ربیع الاول بر او واجب می‌گردد ولی آنرا تا روز عاشورا به تأخیر می‌اندازد، شاید قبل از عاشورا بمیرد یا مفلس گردد، در اینصورت

۱- منهاج سنت ۳۲۲/۲، مجموع فتاوی ۳۱۰/۲۵ و کشف القناع ۳۹۶/۲.

۲- دین خالص از سبکی ۴۱۷/۸.

۳- فتاوی شیخ الاسلام ۳۱۲/۲۵.

۴- سفر سعادت ص ۱۶۷.

زکات بر ذمه‌ی وی باقی می‌ماند و از این بدتر اینکه تأخیر در دادن حقوق دیگران ظلم محسوب می‌گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «درنگ نمودن غنی در ادای حقوق ظلم است»^۱. از بدعت‌هایی که بعضی از زنان در این روز به آن اعتقاد دارند، حنا کردن است که گویا اگر کسی اینکار را نکرد حق عاشورا را ادا ننموده است، همچنین خریدن عنبر و چوب خوش بو و دود نمودن آن، که گویا اگر اینکار صورت نگیرد گناه بزرگی مرتکب شده‌اند. عجیب اینکه همین چوب را تا سال آینده نگه میدارند و در طول سال از آن استفاده می‌کنند و معتقدند که اگر دود و بوی خوش آن به زندانی برسد از زندان رها خواهد شد. همچنین اعتقاد دارند که این خوش بوئی علاج نظر و مرض است. چنین اعتقادی خطرناک است و دلیل قاطع و محکم می‌طلبد، اما دلیلی وجود ندارد و این گونه اعمال را زنها از خودشان اختراع نموده‌اند.^۲

پیامبرگرامی مان صلی الله علیه و آله ارتکاب هر گونه بدعت در دین خدا، و عمل نمودن به آن را به شدت منع نموده‌اند. و اینرا واضح کرده‌اند که خداوند را باید مطابق سنت و عملکرد پیامبرش صلی الله علیه و آله عبادت کرد، و نه بر حسب گفته و اختراعات دیگران. چنانکه می‌فرمایند: «هرکس عملی انجام دهد که دین ما آنرا تأیید نکند مردود است»^۳.

۱- متفق علیه.

۲- مدخل از ابن حاج ۳۹۱/۱.

۳- متفق علیه.

و در لفظ دیگری چنین روایت شده است: «هر کسی در این دین ما چیزی ایجاد کند که از آن نیست، مردود است»^۱.

یعنی: هر کاری که مطابق سنت پیامبر ﷺ نباشد مردود بوده و قابل قبول نیست.

پس بدعت‌هایی که ذکر شد در عهد پیامبر ﷺ و یارانش و در عهد تابعین وجود نداشته، بلکه بعد از شهادت حضرت حسین ﷺ در سال ۶۱ هجری ظاهر گردید، و در سال‌های بعد خصوصاً در عهد دولت فاطمیان اشکال مختلفی بخود گرفت و در اکثر کشورهای شیعه نشین مانند ایران، عراق و بعضی مناطق مصر و لبنان و هند و پاکستان و افغانستان بشکل عجیبی انتشار یافت.

عوامل اساسی انتشار این بدعت‌ها و امثال اینها بی خبری مسلمانان از دین، و سکوت و عدم انکار چنین اعمالی است، اگر هر مسلمانی به اندازهی وسع و توان خودش اطرافیان را آگاه می‌کرد هرگز به این حد نمی‌رسید و جامعه‌ی اسلامی، سالم باقی می‌ماند.

پیامبر ﷺ امتشان را از بدعت و نوآوری در دین بر حذر داشته‌اند چنانکه میفرماید: «از امور نو پیدا (در دین) پرهیزید، زیرا هر امر نوپیدا بدعت و هر بدعتی گمراهی است»^۲.

پس برادر و خواهر مسلمان! باید در راه از بین بردن بدعت‌ها کوشا باشیم، و در روز عاشورا به هر مسلمانی که آغشته‌ی بدعت است دوستانه

۱ - متفق علیه.

۲ - سنن ابی داود ۲۰۱/۴ - صححه الألبانی ۸۷۱/۳، صحیح سنن ابی داود.

بفهمانیم که این اعمال نادرست است و او را تشویق به ترک آن کنیم تا همه مان در دنیا و آخرت رستگار گردیم.

ماتم در روز عاشورا

شیعیان در روز عاشورا ماتم و سوگواری اعلان می‌کنند، و لباس سیاه می‌پوشند و اظهار غم و اندوه می‌نمایند، در بعضی مناطق شیعه نشین مغازه‌ها بسته می‌شود، زنان و مردان به خیابان می‌آیند و خود را با زدن قمه و زنجیر زخمی می‌کنند و گریه و ناله و فریاد سر می‌دهند و با نوحه خوانی و با نثار کلمات زشت و لعن و نفرین گویا از قاتلین حضرت حسین علیه السلام انتقام می‌گیرند خلاصه در این روز اعمالی صورت می‌گیرد که با عقل سلیم موافق نیست و بدعت‌هایی که مخالف شرع است و با روح و تعالیم اسلام سازگاری ندارد^۱.

خداوند متعال و پیامبر بزرگوارمان صلی الله علیه و آله به ما نفرموده‌اند که بر مرگ پیامبران پیشین ماتم و سوگواری نمائیم، پس چطور بر مرگ کسانی که مرتبه‌ی آنها پائین تر از انبیا است سوگواری می‌نماییم؟!

نه از پیامبر گرامی مان صلی الله علیه و آله نقل شده و نه از مسلمانان صدر اسلام که آنها بر مصیبتی ماتم و عزا گرفته باشند.

شهادت حضرت حسین علیه السلام هر مسلمانی را غمگین و ناراحت می‌کند زیرا ایشان نوه‌ی عزیز پیامبر صلی الله علیه و آله و از سرداران بزرگ اسلام و از علمای صحابه‌ی کرام بود، وی مرد عابد، شجاع و سخاوتمندی بود، ولی باید

پذیرفت آنچه را که برادران شیعه‌ی ما در روز عاشورا بخاطر شهادتش انجام میدهند نادرست است، و اکثر این کارها ساختگی است و جنبه‌ی نمایشی دارد و الا پدر ایشان علی علیه السلام افضل و بهتر از او بود، چرا برای شهادتش ماتم نمی کنند؟! همچنین عثمان رضی الله عنه در نزد اهل سنت از علی رضی الله عنه بهتر است ولی در روز شهادتش کسی عزاداری نمی کند.

همچنین عمر رضی الله عنه بهتر از عثمان رضی الله عنه بود ولی برای شهادت ایشان کسی عزاداری نمی کند. همچنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه از عمر رضی الله عنه بهتر بود ولی در روز وفاتش کسی عزاداری نمی کند، از همه برتر خود پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که سردار جهانیان در دنیا و آخرت است خداوند روحش را مانند سایر انبیا (علیهم السلام) قبض کرد ولی هیچکس برای ایشان عزاداری نکرد!

بر هر مسلمانی واجب است که در وقت مصیبت از صبر و شکیبائی کار بگیرد و بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. تا اینکه خداوند و پیامبرش از این عمل خشنود و راضی گردند. ﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۶]

ترجمه: «و مژده بده به بردباران. کسانی که هر گاه بلائی به آنها برسد می گویند: ما از آن خدائیم و بسوی او باز می گردیم».

پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «هیچ بنده‌ای نیست که به مصیبتی گرفتار شود و بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. یعنی: «همانا ما از اویم و بسوی او باز گردانندگانیم». خدایا! مرا در مصیبتم مزد داده و برایم از او عوض بهتری بده. مگر اینکه خداوند او را در مصیبتش مزد داده و عوض بهتری

برای او می‌دهد، ام سلمه می‌فرماید: ابو سلمه (شوهرش) وفات یافت چنانکه رسول الله ﷺ مرا امر کرده بود گفتم. خداوند عوضی نیکوتر از او، یعنی رسول الله ﷺ را به من داد^۱.

در کتاب جلاء العیون از ملا باقر مجلسی قول حسین بن علی رضی الله عنه چنین آمده است: «ای خواهر! اگر باشمیشر ظالمان کشته شدم و از این دنیا رحلت کردم پس گریبان را پاره مکن، و رویت را مخراش، و موهایت را نکش و فغان و ناله مکن»^۲.

پس به سر و صورت زدن و گریبان پاره نمودن و دعا‌های زمان جاهلیت، همه حرام و نا مشروع است و پیامبر صلی الله علیه و آله از چنین اعمالی اظهار بیزارى نموده است چنانکه می‌فرماید: «آنکه بر رویش زده و گریبان پاره کند و دعا‌های جاهلیت را بخواند از ما نیست»^۳.

۱- مسلم کتاب جناز.

۲- جلاء العیون از مجلسی ۳۸۲/۱.

۳- بخاری ۳۹۸/۱.

روایاتی از کتب شیعه

۱- «صُومُوا الْعَاشُورَاءَ- هَكَذَا- التَّاسِعَ وَالْعَاشِرَ فَإِنَّهُ يُكَفِّرُ ذُنُوبَ سَنَةٍ»^۱.

از امام صادق و ایشان از پدرش امام باقر علیهما السلام روایت می‌کند که علی (علیه السلام) فرمود: «در عاشورا روزه بگیرید، نهم و دهم زیرا که گناه یک سال را می‌بخشد».

۲- «صَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ عَاشُورَاءَ»^۲.

از ابوالحسن روایت است که فرمود: «رسول الله ﷺ روز عاشورا روزه گرفتند».

۳- «صُومُوا يَوْمَ عَاشُورَاءَ التَّاسِعَ وَالْعَاشِرَ احتیاطاً، فَإِنَّهُ كَفَّارَةُ السَّنَةِ الَّتِي قَبْلَهُ، فَإِنْ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَأْكُلَ، فَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ»^۳.

از علی (علیه السلام) روایت است که فرمود: «نهم و دهم عاشورا احتیاطاً روزه بگیرید، زیرا که این کفاره‌ی گناهان سال گذشته است اگر کسی یادش نبود و خورد هر وقت یادش آمد از همان لحظه روزه اش را تکمیل کند».

۴- «إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ الْمُحَرَّمِ، فَأَعْدُدْ فَإِذَا أَصَبْتَ مِنْ تَاسِعَةٍ فَأَصْبِحْ صَائِمًا. قُلْتُ: (أَيُّ الرَّوَايِ): كَذَلِكَ كَانَ يَصُومُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: نَعَمْ»^۴.

۱- تهذیب الأحکام ۲۹۹/۴، الاستبصار ۱۳۴/۲.

۲- تهذیب الأحکام ۲۹/۴.

۳- مستدرک الوسائل ۱-۵۹۴.

۴- إقبال الأعمال ص ۵۵۴ وسائل الشيعة ۳۴۷/۷.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: «هر گاه ماه محرم شروع شد، بشمار، به روز نهم که رسیدی روزه بدار- راوی می گوید: گفتم: آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در چنین روز، روزه می گرفتند؟ فرمودند: بله».

۵- «اِسْتَوَتْ السَّفِينَةُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَلَى الْجُودِيِّ فَأَمَرَ نُوحٌ مَنْ مَعَهُ مِنَ الْإِنْسِ وَالْحَيِّ بِصَوْمِهِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱.

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: «هنگامی که کشتی نوح (علیه السلام) در روز عاشورا بر جودی استقرار یافت نوح (علیه السلام) به همه ی انسانها و جنهایی که در کشتی بودند دستور داد که در آن روز (عاشورا) روزه بگیرند و این همان روزی است که خداوند توبه ی آدم (علیه السلام) را پذیرفت».

۶- از الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله که بهتر از آن نمی توان یافت این است: «التَّيَّاحَةُ مِنْ أَعْمَالِ الْجَاهِلِيَّةِ»^۲. و در روایت محمد باقر مجلسی با لفظ: «التَّيَّاحَةُ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ» آمده است.

یعنی: «نوحه کردن از اعمال جاهلیت است یا نوحه کردن از جاهلیت است»^۳.

۷- رسول گرامی صلی الله علیه و آله می فرمایند: «صَوْتَانِ مَلْعُونَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ: إِعْوَالٌ عِنْدَ مُصِيبَةٍ وَصَوْتُ عِنْدَ نِعْمَةٍ، يَغْنِي النُّوحَ وَالْغِنَاءُ»^۴.

۱- مستدرک الوسائل ۵۹۴/۱.

۲- من لایحضره الفقیه ۲۷۱/۴-۲۷۲.

۳- بحار الأنوار ۱۰۳/۸۲.

۴- بحار الأنوار ۱۰/۸۲.

یعنی: «دو صدا ملعون است و خداوند آن دو صدا را ناپسند می‌دارد: یکی داد و فریاد در هنگام مصیبت و دیگری صدای نغمه؛ یعنی: نوحه کردن و موسیقی».

۸- امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در نامه شان به رفاعه بن شداد می‌نویسد: «إِيَّاكَ وَالتَّوْحَ عَلَى الْمَيِّتِ بَبَلْدٍ يَكُونُ لَكَ بِهِ سُلْطَانٌ»^۱.
یعنی: «مبادا در جایی که قدرت داری بر مرده ای نوحه خوانی کنی».

۹- جابر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «من شما را از نوحه کردن و از دو صدای احمقانه و فاجرانه نهی کردم، یکی صدای موسیقی که ساز شیطان است و صدایی که در هنگام مصیبت بلند می‌شود که صورت خراش می‌دهند و گریبان پاره می‌کنند، و ناله و فغان می‌کشند»^۲. «وَصَوْتٍ عِنْدَ مُصِيبَةٍ، خَمْشٍ وَجُوهٍ، وَشَقِّ جُيُوبٍ وَرَنَةِ شَيْطَانٍ».

۱۰- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يَصْلُحُ الصَّيَّاحُ عَلَى الْمَيِّتِ وَلَا يَنْبَغِي وَلَكِنَّ النَّاسَ لَا يَعْرِفُونَ»^۳.

یعنی: «شیون کشیدن بر مرده درست و شایسته نیست ولی مردم نمی‌دانند».

۱- مستدرک الوسائل ۱/۱۴۴.

۲- مستدرک الوسائل ۱/۱۴۵.

۳- الکافی ۳/۲۶۶.

۱۱- فضل بن میسر می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم که شخصی آمد و از غم و مصیبتی که به او رسیده بود شکوه کرد، امام فرمود: «أَمَّا إِنَّكَ إِنْ تَصْبِرَ تُوجِرَ، وَإِلَّا تَصْبِرُ يَمْضِي عَلَيْكَ قَدْرُ اللَّهِ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيْكَ وَأَنْتَ مَا زُورٌ»^۱.

یعنی: «اگر صبر کنی پاداش داده می شوی و اگر صبر نکنی باز هم آنچه تقدیر خداوند باشد بر تو جاری می شود، اما در این صورت گنهکار خواهی شد».

۱۲- رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَرَفَعَ صَوْتَهُ»^۲.
یعنی: «من بیزارم از کسی که (بخاطر مصیبت) مویش را بتراشد و صدایش را بلند کند».

۱۳- از امام صادق (علیه السلام) روایت است که و پیامبر ﷺ از فریاد کشیدن در هنگام مصیبت و از نوحه کردن و نوحه شنیدن و به صورت زدن نهی کرده اند.

«نَهَى عَنِ الرَّثَةِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَنَهَى عَنِ التِّيَاحَةِ وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَنَهَى عَنِ تَصْفِيقِ الْوُجْهِ»^۳.

۱۴- از امام صادق یا باقر علیهما السلام پرسیده شد که نماز با کلاه سیاه چگونه است؟ فرمودند: «با آن نماز نخوان، زیرا که رنگ سیاه لباس اهل دوزخ است». «لَا تُصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ»^۴.

۱- الکافی ۲۲۵/۳.

۲- جامع الأحادیث الشیعة ۴۸۹/۳.

۳- من لایحضره الفقیه ۴۰۳/۴.

۴- من لایحضره الفقیه ۱۶۳/۱.

۱۵- از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «لَا تَلْبِسُوا السَّوَادَ فَإِنَّهَا لِبَاسُ فِرْعَوْنَ». یعنی: «سیاه نپوشید که لباس فرعون است».^۱

۱۶- در روایت دیگری آمده است که فرمود: «خواهرم! ای ام کلثوم! ای فاطمه! ای رباب! مواظب باشید اگر من شهید شدم برای من گریبان پاره نکنید و صورت نخرانید».^۲

۱۷- و در روایت دیگری آمده است که فرمود: «خواهرم! قسمت می‌دهم، قسمم را نشکن، هر گاه شهید شدم هرگز برای من گریبان پاره نکن و صورت نخران و واویلا نکن».

«يَا أُخْتَاهُ! إِنِّي أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ ، فَأَبْرِئِي قَسَمِي. لَا تَشْقِيَّ عَلَيَّ جَبِيًّا، وَلَا تَحْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا، وَلَا تَدْعِي عَلَيَّ بِالْوَيْلِ وَالْثُبُورِ إِذَا أَنَا هَلَكْتُ».^۳

از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیهی کریمه ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ [الممتحنة: ۱۲] نقل شده که فرمود: «الْمَعْرُوفُ أَنْ لَا يَشْقِيَنَّ جَبِيًّا وَلَا يُلْظِمَنَّ وَجْهًا وَلَا يَدْعُونَ وََيْلاً وَلَا يَقُمْنَ عِنْدَ قَبْرِ».

یعنی: «معروف این است که زنان گریبان پاره نکنند و به سر و صورت نزنند و واویلا نکنند و در کنار قبر قیام نکنند».^۴

۱- من لایحضره الفقیه ۱/۱۶۳.

۲- مقتل الحسین ص ۲۱۸ از عبدالرزاق الموسوی.

۳- مستدرک الوسائل ۱/۱۴۴، مظالم أهل البيت ۲۶۴، علی خطی الحسین ۱۱۶، تظلم الزهراء

۱۹۰.

۴- تفسیر نور الثقلین ۳۰۸/۵.

۱۸- از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله زن نوحه گر و گوش کننده‌ی نوحه را لعنت کرده است. «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّاحِيَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ»^۱.

برگرفته از کتاب

عاشورا در میزان عقل و دین

نوشته‌ی استاد زین العابدین ابراهیمی

۱- مستدرک الوسائل ۱/۱۴۴، بحار الأنوار ۸۲/۹۳.

مراجع

- ١- قرآن كريم
- ٢- اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء؛ از تقي الدين أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس الحسيني العبيدي، المقريزي؛ القاهرة ١٣٨٧هـ.
- ٣- الآثار الباقية عن القرون الخالية؛ از ابوريحان محمد الخوارزمي البيروني؛ بيروت.
- ٤- الفخري في الآداب السلطانية والدول الإسلامية؛ از حمد بن علي بن طباطبا، معروف به ابن الطقطقي؛ دار بيروت ١٤٠٠هـ.
- ٥- البحر المحيط؛ از أبوحيان الأندلسي، دارالفكر بيروت ١٤٠٣هـ.
- ٦- البداية والنهاية؛ از ابوالفداء الحافظ ابن كثير، دار الكتب العلمية بيروت ١٤٠٨هـ.
- ٧- بلوغ الأماني من أسرار الفتح الرباني بترتيب مسند أحمد الشيباني، از أحمد عبد الرحمن البنا الساعاتي، القاهرة، مطبعة الفتح الرباني، ١٣٧٥.
- ٨- بهجة الناظرين فيما يصلح الدنيا والدين، از شيخ عبدالله بن جار الله آل جار الله، دار الطبية، الرياض، ١٤٠٦هـ.
- ٩- تاريخ الخلفاء، از جلال الدين سيوطي، مطبعة السعادة بمصر ١٣٧١.
- ١٠- تاريخ الطبري، از ابوجعفر بن جرير الطبري، دار المعارف، القاهرة ١٣٨٧.
- ١١- تاريخ يعقوبي، چاپ لندن.
- ١٢- التبصرة، از ابن الجوزي، القاهرة، ١٣٩٠هـ، تحقيق د/ مصطفى عبدالواحد.
- ١٣- تفسير القرطبي - الجامع لأحكام القرآن، دار الكتاب العربي - بيروت ١٣٩٨هـ.
- ١٤- تنبيه الغافلين عن أعمال الجاهلين، از ابوزكريا ابن أحمد النحاس، دارالكتب العلمية، بيروت ١٤٠٧هـ.
- ١٥- تهذيب الآثار، از امام ابوجعفر طبري، جامعة الإمام، الرياض، تحقيق: محمود محمد شاكر.

- ١٦- جلاء العيون، از ملا باقر مجلسی - بیروت.
- ١٧- حاشیة رد المختار علي الدر المختار، از ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي، مكتبة الحلبي ١٣٨٦هـ.
- ١٨- حاشیة الجمل على شرح المنهج، از شيخ الإسلام زكريا الأنصاري، المكتبة الكبرى، القاهرة.
- ١٩- حجة الله البالغة، از شاه ولي الله الدهلوي، دارالكتب الحديث، القاهرة.
- ٢٠- حكمة التشريع وفلسفته، علي أحمد الجرجاوي، القاهرة، المطبعة اليوسفية، ١٣٥٠هـ.
- ٢١- دائرة المعارف، از البستاني، تهران.
- ٢٢- الدر المشثور في التفسير بالمأثور، از جلال الدين السيوطي، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٣هـ.
- ٢٣- الدعوة الإسلامية، دكتور أحمد غلوش، دار الكتاب المصري، القاهرة.
- ٢٤- الدين الخالص، از محمود خطاب السبكي، القاهرة، ١٣٩٤هـ.
- ٢٥- زاد المعاد، از ابن قيم الجوزية، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٦هـ.
- ٢٦- سفر السعادة، از ابوطاهر الفيروزآبادي، مكتبة علي صبيح، القاهرة، ١٣٧٦هـ.
- ٢٧- سنن أبي داود، دار الحديث، حمص، ١٣٨٩هـ.
- ٢٨- سنن الترمذي، مكتبة الحلبي، القاهرة، ١٣٨٨هـ تحقيق فؤاد عبد الباقي.
- ٢٩- السنن الكبرى، از البيهقي، حيدر آباد الدكن الهند، ١٣٥٢هـ.
- ٣٠- سنن النسائي بشرح السيوطي، دار البشائر الإسلامية، بيروت، ١٤٠٦هـ.
- ٣١- سير أعلام النبلاء، از الذهبي، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٢هـ.
- ٣٢- شرح فتح القدير از ابن الهمام، دار الفكر بيروت ١٣٩٧هـ.
- ٣٣- شرح معاني الآثار از الطحاوي، مطبعة الأنوار المحمدية، القاهرة.
- ٣٤- صحيح البخاري بشرح ابن حجر العسقلاني (فتح الباري)، المكتبة السلفية، القاهرة.

- ۳۵- صحیح سنن أبي داود، از ناصر الدين الألباني، مكتبة التربية العربي لدول الخليج، الرياض ۱۴۰۹هـ.
- ۳۶- صحیح مسلم بشرح النووي، دار الفكر، بيروت ۱۴۰۱هـ.
- ۳۷- ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها بمصر، دارالمعارف بمصر ۱۹۷۶-هـ.
- ۳۸- عمدة القاري بشرح صحيح البخاري، از بدرالدين العيني، دار الفكر بيروت ۱۳۹۹هـ.
- ۳۹- عون المعبود شرح سنن أبي داود، از العظيم آبادي، المكتبة السلفية، المدينة المنورة.
- ۴۰- فقه السنة از سيد سابق، دار الكتاب العربي، بيروت.
- ۴۱- الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، دارالمعرفة، بيروت ۱۳۹۳هـ.
- ۴۲- فتح العلام بشرح مرشد الأنام، از محمد عبد الله الجرداني، مكتبة الشباب المسلم، حلب.
- ۴۳- القاموس المحيط، از الفيروز آبادي، مؤسسة الرسالة بيروت ۱۴۰۷هـ.
- ۴۴- قصص الأنبياء، از ابن كثير، دار الكتب الحديث، القاهرة.
- ۴۵- الكامل في التاريخ از ابن الأثير الشيباني، دار بيروت ۱۳۸۵هـ.
- ۴۶- كشف القناع عن متن الإقناع، از البهوتي، مطبعة الحكومة، مكة المكرمة ۱۳۹۴هـ.
- ۴۷- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال از البرهان فوري الهندي، مكتبة التراث الإسلامي، حلب ۱۳۹۱هـ.
- ۴۸- اللباب في الجمع بين السنة والكتاب، از أبو محمد المنبجي، دار الشروق، جدة، ۱۴۰۳هـ.
- ۴۹- لسان العرب، از ابن منظور، بيروت.
- ۵۰- لطائف المعارف فيما لمواسم العام من الوظائف، از ابن رجب الحنبلي، دار إحياء الكتب العربية، القاهرة، ۱۳۴۲هـ.
- ۵۱- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، از نور الدين الهيثمي، دار الكتاب العربي بيروت ۱۴۰۲هـ.
- ۵۲- المجموع شرح المذهب از ابوزكريا النووي، دار الفكر، بيروت.

- ۵۳- مجموع فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة، مكتبة المعارف، الرباط المغرب.
- ۵۴- المدخل لابن الحاج، دار الفكر بیروت ۱۳۹۷ هـ.
- ۵۵- مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، از ملا علي القاري، دارالكتاب الإسلامی، القاهرة.
- ۵۶- المسند، از امام احمد بن حنبل، دار المعارف القاهرة، ۱۳۷۴ هـ تحقیق أحمد شاکر.
- ۵۷- المصباح المنیر، از أحمد الفيومي، مكتبة لبنان، بیروت ۱۹۸۷ هـ.
- ۵۸- المصنف في الأحادیث والآثار از ابوبکر ابن أبي شيبه، مطبعة العلوم الشرقية، حیدر آباد الهند ۱۲۸۸ هـ.
- ۵۹- المصنف، از عبد الرزاق الصنعاني، منشورات المجلس الأعلى، ۱۳۹۱ هـ.
- ۶۰- معارف السنن شرح سنن الترمذي از محمد يوسف الحسيني، مطبعة القادر برنتنك ستر، كراچی ۱۳۹۰ هـ.
- ۶۱- المعجم الأوسط، از ابوالقاسم أحمد الطبراني، مكتبة المعارف الرياض.
- ۶۲- مغني المحتاج از الشربيني، دار الكتاب المصري، القاهرة.
- ۶۳- مقارنة الأديان، از لدكتور أحمد شلبي، مكتبة النهضة المصرية القاهرة ۱۹۸۳.
- ۶۴- منهاج السنة، از شيخ الاسلام ابن تیمیة، مكتبة الرياض الحديثة الرياض.
- ۶۵- المواعظ والاعتبار از المقرئزي، مطبعة النيل بمصر ۱۳۲۴ هـ.
- ۶۶- الموطأ از امام مالك ابن أنس، دار إحياء الكتب العربية، القاهرة ۱۳۷۴ هـ.
- ۶۷- النبوة والانبياء، از محمد علي الصابوني، دار القلم دمشق ۱۴۰۹ هـ.
- ۶۸- النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، از يوسف بن تغري بردي بن عبد الله الظاهري الحنفي، أبو المحاسن، جمال الدين دارالكتاب اللبناني بیروت ۱۴۰۰ هـ.
- ۶۹- وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، از ابن خلكان، دار صادر بیروت.
- ۷۰- تفسير نور، از دكتور مصطفى خرم دل.

جرايد و مجلات

- ۱- الأزهري: محرم ۱۳۸۱ و محرم ۱۳۹۲ - محرم ۱۳۸۷ - محرم ۱۳۵۸.
- ۲- البلاد: عدد ۸۳۵۱ - ۱۴۰۷/۱/۳ هـ.
- ۳- عكاظ: عدد ۵۵۲۳ - ۱۴۰۱/۹/۱۳ هـ.
- ۴- لواء الإسلام: ربيع الآخر ۱۳۷۰ هـ عدد ۸.
- ۵- منبر الإسلام: محرم ۱۳۸۴ عدد ۱.